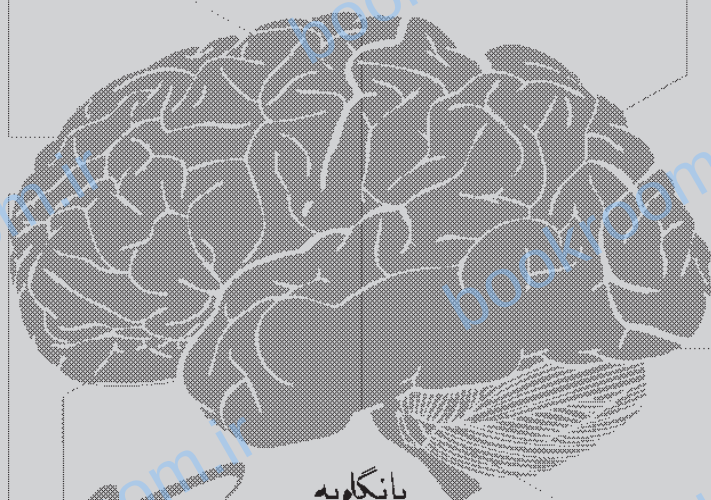


انواع و

دوا



بانگلابه

روشنفکری

حوزوی

فکری

روشن



۷	مقدمه
۱۵	معنای روشنفکری
۲۳	مقاطع روشنگری مدرن
۳۱	دوره‌های روشنفکری مدرن
۳۹	مقاطع منورالفکری ایرانی
۴۹	دوره‌های روشنفکری ایرانی
۵۷	تطورات روشنفکری دینی در ایران
۶۷	چیستی روشنفکری حوزوی
۷۱	سنت روشنفکری حوزوی
۸۷	منورالفکری حوزوی
۹۷	روشنفکری مدرن حوزوی
۱۱۱	گونه‌شناسی نظری - اجتماعی روحانیت معاصر شیعه
۱۲۷	نمایه

مقدمه

روشنگری، روشنفکری و منورالفکری، صرف نظر از الفاظ خود نظر به مفاهیمی دارند که به شدت نظری و تئوریک هستند. لغات مزبور در مقاطع مختلف تاریخی به تناسب حضور بنیان‌های نظری متفاوتی که در قلمرو فرهنگ حضور به هم می‌رسانند، معانی مختلف و گاه متضادی پیدا می‌کنند.

وجود معانی مختلف برای لغات واحد، زمینه کژتابی مفهومی و مغالطات لفظی را به دنبال می‌آورد. در شرایطی که جریان‌های مختلف اجتماعی پیرامون هر یک از این معانی به رقابت می‌پردازند، عوامل انگیزه‌های مختلف اجتماعی بردامنه کژفهمی‌ها و مغالطات می‌افزاید. شرایط معاصر تاریخی ما، عوامل فراوانی را برای بدفهمی و مغالطه به وجود آورده است. کاوش پیرامون این عوامل به نوبه خود یک تحقیق اجتماعی و ادبی مستقل است.

این اثر به شرح این عوامل نمی‌پردازد اما تلاش دارد تا معنای روشنی،

از این مفاهیم به دست دهد و تطورات تاریخی مربوط به هر یک از این لغات را با شرح زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی مربوط به آن‌ها بیان کند و گروه‌هایی را که پیرامون معانی مربوط به این لغات شکل گرفته‌اند، شناسایی و دنبال کند.

کتاب، مشتمل بر دوازده فصل است. هر فصل پاسخگوی مسایل و پرسش‌های خاصی است که به شرح زیر به آن‌ها پرداخته می‌شود.

اول: مقدمه. این فصل تصویری اجمالی از مباحث کتاب ارائه می‌دهد و مطالب و مسائل مربوط به هر یک از بخش‌های آن را به اجمال بیان می‌کند. خواننده با این مقدمه می‌تواند، با ترتیب مباحث و جایگاه هر یک از فصل‌ها آشنا شود.

دوم: معنای روشنفکری. معنای لغوی روشنفکر و فهم عرفی از آن چیست؟ مصادیق مختلف و مشکک روشنیایی و نور و مراتب متفاوت و متغایر فکر معنای عرفی نخستین را به سوی معانی دیگری سوق می‌دهد که در قالب اصطلاحات متفاوت شکل می‌گیرند. این اصطلاحات، که ناظر به مقاطع و مراتب مختلفی از فکر و اندیشه هستند با غفلت از جهات مشترکی که در آن‌ها هست به صورت معانی مغایر و گاه متضاد ظاهر می‌شوند.

فصل دوم اشاره‌ای اجمالی به معنای عرفی و برخی از معانی اصطلاحی منورالفکری، روشنفکری و روشنگری دارد.

سوم: مقاطع روشنگری مدرن. معنای روشنگری مدرن (enlightenment) و ابعاد ایجابی و سلبی آن کدام است؟ بعد سلبی روشنگری مدرن اولاً، معنای آن را در قبال مراتبی از فکر و روشنیایی قرار می‌دهد که در فراسوی آن قرار می‌گیرد و ثانیاً، آن را در معرض آسیب‌هایی قرار می‌دهد که در دوره‌های مختلف تاریخی، به ترتیب فرصت ظهور و بروز پیدا می‌کنند.

روشننگری از جهت معرفت‌شناختی سه مقطع راسیونالیسم، پوزیتیویسم و بحران را پشت سر می‌گذارد و از جهت اجتماعی و سیاسی نیز دوره‌هایی را طی می‌کند. در این فصل به این سطوح و دوره‌ها نیز اشاره می‌شود.

چهارم: دوره‌های روشنفکری مدرن. روشنفکری (intellectuality) چیست؟

معنای intellect و عقل در قبل از جهان مدرن و پیش از پدید آمدن روشننگری مدرن چه بوده است و عقل در حاشیه روشننگری مدرن چگونه بازخوانی شده است و تفاوت دو معنای جدید و قدیم آن چیست؟ روشنفکری مدرن با دویست سال سابقه تاریخی خود، چهار دوره تاریخی را طی می‌کند، اول، دوره حماسه و پیامبری. در این مقطع جهان مدرن را به دو بلوک شرق و غرب تقسیم می‌کند. دوم، دوره تراژدی است که از فردای پیروزی با بازگشت از شوروی^۱ آغاز می‌شود. سوم، دوره افول است. این دوره مدت زمان بعد از جنبش روشنفکری دهه شصت تا فروپاشی بلوک شرق را در بر می‌گیرد. چهارم، دوره دلالتی است که نقش قلم به مزدان را در جهت توجیه جهان موجود، در بر می‌گیرد.

پنجم: مقاطع منورالفکری ایرانی. پیدایش و ظهور روشننگری مدرن در غرب با شیوه حضور و بروز آن در جامعه ایرانی چه تفاوت‌هایی دارد؟ منورالفکری لقبی است که برای دلالت بر روشننگری مدرن در ایران به کار گرفته می‌شود.

روشننگری مدرن در موطن اصلی در رقابت با زمینه‌های تاریخی خود ابتدا لایه‌های عمیق معرفتی و هنری خود را پدید آورد و سپس اندیشه سیاسی، صنعت، تکنولوژی، اقتصاد و اقتدار نظامی خود را به

۱. اثری از آندره ژید.

دنبال آورد. اما منورالفکری در ایران مسیری واژگونه را طی کرد، ابتدا با حاشیه‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی آن آشنا شد و سپس به لایه‌های بعدی آن راه برد.

عملکرد جریان منورالفکری در ایران را در هفت مقطع تاریخی می‌توان دنبال کرد: اول، از آشنایی تا مشروطه؛ دوم، تا پایان حاکمیت رضاخان؛ سوم، سال‌های بیست تا سی و دو؛ چهارم، فاصله کودتای سی تیر تا قیام پانزده خرداد؛ پنجم، دوران پانزده ساله پیش از انقلاب؛ ششم، دهه نخست انقلاب و هفتم، دوران پس از فروپاشی بلوک شرق.

ششم: دوره‌های روشنفکری ایرانی. منورالفکری و روشنفکری مدرن در ایران چه وجوه اشتراک و افتراقی دارند و تفاوت‌های کارکردی روشنفکری مدرن در غرب و در ایران چیست؟ مسائل اجتماعی ناشی از حضور روشنفکری کدام است؟ و چرا روشنفکران ایرانی نتوانستند رقیبان منورالفکر خود را از موضع قدرت خلع کنند.

در فصل ششم پرسش‌های فوق به بحث گذارده می‌شود و به دنبال آن از چهار دوره روشنفکری در ایران یاد می‌شود. دوره‌هایی که متناظر با دوره‌های چهارگانه روشنفکری در کشورهای غربی است، با این تفاوت که دوره‌های مزبور در جهان غرب طی دویست سال طی می‌شود و در ایران در پنج دهه.

حماسه روشنفکری در ایران هنگامی آغاز می‌شود که حماسه جهانی آن به تراژدی تبدیل شده است، تراژدی آن با قیام مردم آذربایجان در برابر «پیشه‌وری»^۱، و تعامل رفیق «استالین»^۲ با دولت «قوام» آغاز و تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه می‌یابد. دوره افول تا فروپاشی بلوک شرق استمرار

۱. موسس فرقه دموکرات آذربایجان.

2. Stalin.

پیدا می‌کند و از آن پس دوره دلالتی آغاز می‌شود.

هفتم: تطورات روشنفکری دینی در ایران. نسبت روشنگری و روشنفکری مدرن با دین چیست و ماجراهای تاریخی آن‌ها چگونه بوده است؟ تفاوت عملکرد روشنگری و روشنفکری تحت تأثیر چه عواملی تبیین می‌شود؟ منورالفکری و روشنگری در ایران چه نسبتی را با دیانت برقرار کرده است و تفاوت عملکرد منوالفکران و روشنفکران در این تعامل چگونه بوده است؟ همچنین دوره‌های روشنفکری دینی، چگونه طی شده است؟

جهان مدرن به رغم هویت دنیوی و سکولار خود برای عبور از قرون وسطی ذخیره‌های دینی را در فرایندگذار به خدمت گرفت و از آن به عنوان سوخت استفاده کرد. در مراحل بعدی نیز با قرائت‌های مدرن خود، تفاسیری نوین از دین ارائه کرد. همه این تفاسیر، قرائتی سکولار و این جهانی از دین دارند و برخی از این تفاسیر به رغم هویت سکولار خود رویکردی به ظاهر همدلانه با دین دارند.

منورالفکری و روشنفکری شیوه تعاملی را که با دین در موطن نخستین دارد در ایران دنبال نمی‌کند، منورالفکری در بیشتر دوران حضور خود خصلتی دین‌ستیزانه دارد و روشنفکری در برخی از مقاطع به تفسیر روشنگرانه دینی روی می‌آورد. این فصل به ویژگی‌های این مقاطع و علل و عوامل اجتماعی و تاریخی آن می‌پردازد.

هشتم: چیستی روشنفکری حوزوی. با نظر به معانی مغایر و گاه متضادی که روشنفکری دارد، ترکیب روشنفکری حوزوی از پیچیدگی و دشواری بیشتری نسبت به روشنفکری دینی برخوردار است و به همین دلیل این ترکیب بیش از ترکیب روشنفکری دینی نیازمند به ایضاح مفهومی است. روشنفکری حوزوی در برخی از معانی ریشه در سنت عقلانی و اجتهادی جهان اسلام دارد و در برخی دیگر از معانی هویتی مدرن و

منورالفکرانه و یا روشنفکرانه پیدا می‌کند. تبیین مفهومی معانی مربوط به این ترکیب زمینه را برای مباحث مربوط به هر یک از آن معانی فراهم می‌سازد.

نهم: سنت روشنفکری حوزوی. روشنفکری در معنای دینی خود، که با ادراک عقلی و شهود حقایق کلی قرین و همراه است، ریشه در سنت تاریخی تفکر جهان اسلام دارد. این معنا از روشنفکری در دوران معاصر نیز در دو عرصه اندیشه و عمل فعال و کارآمد بوده است. عملکرد سنت روشنفکری حوزوی چگونه بوده است؟ حکمت صدرایی در تاریخ معاصر ایران چه نقشی داشته است؟ فقه اجتماعی و سیاسی تشیع در قبل و بعد از مشروطه چه مسیری را طی کرده است؟

سنت حوزوی روشنگری به دلیل عقبه فرهنگی و تاریخی و جایگاه اجتماعی خود در طی قرن بیستم توانست دو انقلاب مردمی اجتماعی را در آغاز و پایان قرن ایجاد کند. انقلاب نخستین (مشروطه) گرچه ناکام ماند ولیکن انقلاب دوم نقطه عطف تاریخی جدیدی برای ایران، جهان اسلام و بلکه جامعه بشری ایجاد کرد.

دهم: منورالفکری حوزوی. منورالفکری هنگامی که به معنای روشنگری مدرن به کار می‌رود ترکیب آن با وصف حوزوی ترکیبی ناسازگار و چالش برانگیز است

منورالفکری حوزوی اگر به صورت یک جریان اجتماعی ظاهر شود با قرائت منورالفکرانه از دین در جهت حذف سنت روشنفکری حوزوی عمل خواهد کرد. عملکرد تاریخی منورالفکری حوزوی چگونه بوده است و به چه دلیل منورالفکری حوزوی هیچ گاه به صورت یک جریان قوی اجتماعی نتوانست حضور بهم رساند و اغلب در بیرون از محیط‌های حوزوی به جریان‌سازی اجتماعی مشغول شد؟

یازدهم: روشنفکری مدرن حوزوی. روشنفکری حوزوی به عنوان بخشی از روشنفکری دینی تابعی از اصل جریان روشنگری مدرن است و تفاوت روشنفکری حوزوی با منورالفکری حوزوی از نوع تفاوت روشنفکری و منورالفکری است. چهار مقطعی که برای روشنفکری مدرن و جریانات متأثر از آن وجود داشت در روشنفکری حوزوی نیز به گونه‌ای فشرده وجود دارد.

حماسه و تراژدی روشنفکری مدرن حوزوی در دهه پنجاه در هم آمیخته است، افول آن در دهه شصت رخ می‌دهد و از پایان دهه شصت در حاشیه چرخش روشنفکری جهانی به دلالتی مشغول می‌شود. عمر کوتاه روشنفکری حوزوی از محدوده یک نسل تجاوز نمی‌کند، یعنی یک نسل واحد همه مراحل چهارگانه آن را تجربه می‌کند.

دوره دلالتی روشنفکری مدرن حوزوی از ظرفیت‌های اجتماعی و جهانی بیشتری برخوردار است و به همین دلیل از فرصت بیشتری برخوردار است. ظرفیت‌هایی که روشنفکری مدرن حوزوی برای تداوم دوره وساطت و دلالتی خود دارد کدام است و عقبه نظری و معرفتی آن کجاست و پی‌آمدهای معرفتی آن در قلمرو سنت فکری حوزوی چیست و جغرافیای حضور آن در کدام منطقه است؟

دوازدهم: گونه‌شناسی نظری اجتماعی روحانیت معاصر شیعه. این بخش از کتاب یادداشت مستقلی است که در آن نظر به عملکرد و یا موقعیت فرهنگی و اجتماعی روحانیت معاصر شیعه نمی‌شود و تنها به رویکردهای نظری آنان می‌نگرد.

رویکردهای نظری روحانیون شیعه در یک تقسیم‌بندی کلی به دو قسم تقسیم می‌شود: بخشی در متن سنت کلامی فقهی شیعه می‌اندیشند و بخشی دیگر در حاشیه اندیشه‌های مدرن قرار می‌گیرند.

هر یک از این دو بخش از جهت الف: نوآوری، ب: سطح اندیشه و ج: رویکردهای انتقادی و محافظه‌کارانه به اقسامی تقسیم می‌شوند.

گونه‌های بخش نخست به دلیل این که در متن سنت فکری تشیع قرار دارند، گونه‌های متنی، و گونه‌های بخش دوم، به دلیل این که به بازنمایی اندیشه‌های مدرن می‌پردازند، گونه‌های حاشیه‌ای و پیرامونی هستند. هر چند که حاشیه‌نشینی، محصول شرایط تاریخی و تمدنی جهان اسلام در قیاس با فرهنگ و تمدن غرب است. تنوع گونه‌های حاشیه‌ای محصول تفکر و اندیشه افراد در مواجهه با مسائل محیطی و فرهنگی خود نیست.

بخش‌های دوم تا یازدهم این اثر نوشته مستقلی است که در فروردین ۸۷ رقم خورده است و قسمتی از این اثر برای نخستین بار در همایش «حوزه و روشنفکری» در سالن اجتماعات مدرسه علمیه دارالشفاء بهمن ۸۷ ارائه شد. مجموع آن نیز در ضمیمه هفته‌نامه پنجره چاپ شده است. بخش دوازدهم، یادداشت مستقلی است که در بهمن ۸۶ نوشته شده و در هفته‌نامه «شهروند امروز» برای نخستین بار چاپ شده است.

معنای روشنفکری

«روشنفکر» با آنکه به لحاظ لغوی معنایی ساده و روشن دارد و لکن در استعمال و کاربرد، و به لحاظ اصطلاحی گرفتار ابهام و پیچیدگی‌های بسیار است.

این لغت در فارسی به حسب لغت از ترکیب وصف و اسم یعنی «روشن» و «فکر» تشکیل شده است، و این ترکیب خود وصف است برای کسی که فکری روشن دارد.

معنای محسوسِ روشنایی، در برابر ظلمت است؛ وصف روشن هنگامی که برای چراغ، روز، و مانند آن به کار می‌رود در معنای روشنایی محسوس استعمال می‌شود. لکن این وصف وقتی با «فکر» ترکیب شود، حتی اگر معنای خود را حفظ کرده باشد و به صورت مجاز استعمال نشود، از مصداق محسوس خود عبور کرده و در مصادیق غیر حسی به کار می‌رود.

فکر و اندیشه با آنکه برخلاف نور مصداق محسوس ندارد تا با یکی از

حواس پنج‌گانه ادراک شود، هر فرد، حقیقت غیر محسوس آن را در مسیر ادراک حقیقت و علم می‌یابد.

آدمی از طریق اندیشه و تفکر به حقیقت می‌رسد، و فکر به همین لحاظ چون روشنایی و نوری است که معلوم را آشکار می‌کند. می‌توان گفت، فکر و اندیشه مصداق معنوی نور و روشنی است، زیرا اگر حقیقت روشنی امری است که موجب ظهور و پدیدار شدن غیر خود می‌گردد، فکر و اندیشه نیز نظیر نور حسی مصداق حقیقی همین معنا است. همان‌گونه که نور حسی و هم‌چنین اندیشه و فکر، مصداق حقیقی معنای روشنی هستند، معرفت و علم نیز مصداق روشنی است زیرا با معرفت، معروف و با علم، معلوم در معرض آگاهی قرار می‌گیرد.

تفاوت چراغ و خورشید با فکر و علم در این است که نور چراغ یا خورشید، حسی است و نور فکر و علم، معنوی و غیر حسی هستند؛ یعنی این نور را با حس نمی‌توان ادراک کرد. چراغ و خورشید با آنکه در وصف روشنی و یا حتی روشنایی بخشی حسی مشترک هستند، در درجات روشنایی یکسان نیستند، نور خورشید به مراتب بیشتر از نور چراغ است. فکر و علم نیز با آنکه در اصل روشنایی معنوی و غیر حسی، مشترکند در درجات روشنایی یکسان نیستند. زیرا فکر گاه گرفتار آفت و خطا شده و به دلیل تیرگی و ظلمت از راه باز می‌ماند و نمی‌تواند به حقیقت برسد، ولی علم از آفت‌هایی که در مسیر فکر واقع می‌شود مصون بوده، و با معلوم قرین و همراه است.

معنای لغوی روشنفکر از آنچه بیان شد، به نیکی دانسته می‌شود. انسان روشنفکر در این معنا کسی خواهد بود که از فکری فعال و اندیشه‌ای باز برخوردار است، کسی که اهل تفکر و اندیشه بوده و از طریق آن به حقایق و به آنچه که بر او پوشیده و پنهان است، می‌رسد. این وصف می‌تواند

انسان روشنفکر را از کسی که اندیشه و فکر خود را به کار نمی‌گیرد و یا اندیشه خود را در اسارت مفروضات غلط و تمنیات و توهمات خود، در می‌آورد، ممتاز گرداند.

ترکیب روشنفکر در لغت فارسی هنگامی گرفتار ابهام می‌شود که اصل تفکر و اندیشه و خصلت روشنگرانه آن مورد تردید قرار گیرد. آیا فکر و اندیشه‌ای که راه آگاه شدن از مجهولات است همان راه استدلال حصولی است، و آیا همه اقسام استدلال، انسان را به حقیقت می‌رساند، یا تنها استدلال قیاسی برهانی منتج یقین است؟ آیا اصلاً با شناخت و استدلال مفهومی می‌توان به حقیقت چیزی پی‌برد و یا آنکه درک حقیقت از طریق سلوک و شهود حاصل می‌گردد؟ در بین اهل شهود نیز دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد: برخی شهود حقایق کلی عقلی را متن حقیقت دانسته و دانش مفهوی و حصولی را نیز در ذیل آن تبیین و تفسیر می‌کنند، و بعضی دیگر شهود غیر حق را حجاب حقیقت می‌خوانند. در نزد این گروه، فکری مسیر وصول به حقیقت است که اعراض از غیر حق کرده، و نظر به سوی او داشته باشد.

تفکر رفتن از باطل سوی حق

به جزواند رسیدن کل مطلق^۱

اختلافاتی که بین عالمان و اندیشمندان پیرامون حقیقت و خصلت فکر به وجود می‌آید، در ارزش‌دآوری آنان نسبت به معنا و یا مصداق روشنفکری تأثیرگذار است. کسانی که تفکر استدلالی مفهومی و عقلی را راه وصول به حقیقت می‌دانند، اهل نظر و استدلال را روشنفکر می‌دانند. این گروه اگر شناخت استدلالی را تنها راه حقیقت بدانند و راه شهود را

۱. گلشن راز، شیخ محمود شبستری.